

نقد فمینیستی خاطرات سردار مریم بختیاری

اصغر شهبازی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۲/۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۴/۱۱

چکیده

نقد فمینیستی آثار نوشته‌شده به وسیلهٔ زنان، با این هدف که مشخص شود، زنان بر کدام یک از کلیشه‌های جنسیتی انگشت نهاده و وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را چگونه توضیح داده و در برابر مقولهٔ جنسیت چه واکنش‌هایی نشان داده‌اند، نتایج خوبی در بر داشته و در این خصوص، مقالات زیادی نوشته شده است. از آنجا که زنان در دو نوع از نوشته‌های خود؛ یعنی نامه‌ها و خاطرات، بیشتر به موضوعات فمینیستی پرداخته‌اند، در این مقاله، خاطرات سردار مریم بختیاری (۱۲۹۰-۱۳۵۳ ه.ق) به روش تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی نقد و بررسی شده‌اند و در نهایت مشخص شده که بی‌بی مریم به عنوان زنی آگاه و پیشرو، بین جنس و جنسیت تفاوت قائل شده و سرسختانه با کلیشه‌های جنسیتی مبارزه کرده و نشان داده که حقوق زنان ایرانی، به‌ویژه زنان بختیاری در عصر وی ضایع شده است. ارث به آن‌ها نمی‌رسید؛ حق طلاق نداشتند. در انتخاب شوهر خود، آزاد نبودند و در بسیاری از مواقع، وجه‌المصلحه قرار می‌گرفتند تا پدران بهتر بتوانند حکومت کنند. در خاطرات بی‌بی مریم به وضعیت اقتصادی زنان و بی‌سوادی آنان بارها اشاره شده و نشان داده شده که مردان از همین بی‌سوادی آنان سوء استفاده کرده و نوعی استثمار مضاعف را بر آنان تحمیل کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نقد فمینیستی، خاطرات، بی‌بی مریم بختیاری، کلیشه‌های جنسیتی.

^۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه فرهنگیان تهران. ایران. a.shahbazi@cfu.ac.ir

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مساله

فمینیسم در لغت واژه‌ای است فرانسوی که از ریشه لاتین *feminid* (زن) گرفته شده و به معنی اعتقاد به حقوق و فرصت‌های برابر میان زن و مرد است. (حییم، ۱۳۸۰: ۱۸۹؛ داد، ۱۳۸۷: ۴۸۴-۴۸۸) اما در اصطلاح ادبی، یکی از رویکردهای نقد ادبی است که در آن آثار ادبی از منظر قبول یا رد، تقویت یا تضعیف ستمی که نظام مردسالار بر زنان روا داشته، بررسی می‌شوند (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۹۱). در این نوع نقد، نظریه‌هایی چون نقد زن‌محور شوآلتر، نقد زنانه‌نویسی سیکسو، نقد فمینیسم مارکسیستی و... وجود دارد (همان: ۹۱-۱۰۰).

پیشینه بررسی آثار ادبی در غرب با رویکرد فمینیستی، به فمینیست‌های موج اول (۱۸۳۰-۱۹۲۰) برمی‌گردد؛ زیرا آن‌ها بودند که برای اولین بار، متأثر از خیزش‌های عصر روشنگری و نهضت‌های لیبرالی و سوسیالیستی از ضایع شدن حقوق زنان در عرصه‌های مختلف سخن گفتند (اسحاقی، ۱۳۸۱: ۱۰۱) و به دنبال آن‌ها، فمینیست‌های موج دوم (از ۱۹۴۹-۱۹۹۰) از توجه به تبعیض‌های اجتماعی بر ضد زنان، متوجه تبعیض ادبی بر ضد زنان شدند؛ تبعیض‌هایی که هم بر ضد زنان نویسنده (ادبیات نوشته‌شده به وسیله زنان) صورت می‌گرفت و هم به گونه‌ای آشکار در آثار ادبی تولیدشده به وسیله مردان دیده می‌شد؛ به عبارت دیگر، در آثار ادبی نوشته‌شده به وسیله مردان، متأثر از ایدئولوژی نظام مردسالار، زنان موجوداتی حقیر و ضعیف بودند. نظام مردسالار به آثار نویسندگان زن روی خوش نشان نمی‌داد و این آثار کم‌ارزش تلقی می‌شدند. (همان: ۱۰۷) در همین راستا، ایلین شوآلتر اولین محققی است که برای بررسی آثار ادبی زنان، چارچوبی کاملاً زنانه پیشنهاد داد (Showalter, ۱۹۸۶: ۱۲۸) و خودش نیز آثاری همچون «ادبیاتی از جنس خودشان»، «ادبیات داستانی زنان» و «اینجا سرزمین مردان نیست» را نوشت. پس از شوآلتر، لیلیان رابینسون آثار ادبی را با

رویکرد فمینیسم مارکسیستی بررسی کرد و الن سیکسو برای بررسی آثار ادبی زنان، معیارهایی پیشنهاد داد (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۹۵-۹۹).

در ایران، فمینیسم به معنای آنچه در غرب رایج بود، سابقه زیادی ندارد، مگر اینکه برخی از تحرکات مربوط به اواسط حکومت قاجار و بعد از آن را در راستای فمینیسم قلمداد کنیم. در این صورت، می‌توان اقدامات زنان ایرانی در جنبش نان در تبریز، کارهای گروه مسلح زینب‌باجی و حمایت زنان از انقلاب مشروطه را از آن جمله بدانیم. با این توضیح که جنبش مشروطه و تأسیس مدارس دخترانه، در تغییر نگرش جامعه به زنان و همچنین تغییر نگرش و رفتار زنان تأثیرات قابل ملاحظه‌ای داشته است (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۶۳؛ وزیری، ۱۳۸۹: ۸۹).

بعد از قاجاریه و با روی کار آمدن رضاخان، در سال ۱۳۱۱ ه.ش. کنگره زنان شرقی در تهران برگزار شد؛ کنگره‌ای که در آن بر برابری حقوق زنان با مردان در امر آموزش، اشتغال و دستمزد تأکید شد (ساناساریان، ۱۳۸۴: ۹۶) و انگهی نباید از نقش فعالان ماجرای کشف حجاب غافل شد. در دوره محمدرضا شاه نیز با برخی امتیازاتی که به زنان داده شد، مانند حق عضویت در سپاهیان دانش و شوراهای دآوری و خانه‌های اصناف، جریان فمینیستی شتاب بیشتری گرفت (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

زنان در این فاصله (اواسط قاجار تا حکومت پهلوی) چند اثر با رویکرد فمینیستی نوشته یا سروده‌اند که از آن جمله‌اند: خاطرات سردار مریم بختیاری، خاطرات تاج‌السلطنه (دختر ناصرالدین شاه) و اشعار عالم‌تاج قائم‌مقامی (مادر حسین پژمان بختیاری). درباره خاطرات تاج‌السلطنه و اشعار ژاله قائم‌مقامی از منظر نگاه فمینیستی چندین مقاله نوشته شده، اما درباره خاطرات سردار مریم بختیاری، از این منظر اثری پدید نیامده و این مقاله به دنبال چنین وقفه و برای پاسخ دادن به پرسش‌های زیر نوشته شده است:

الف) خاطرات سردار مریم بختیاری از نظر نقد فمینیستی چه جایگاهی دارند؟

ب) خاطرات سردار مریم، نزدیک به کدام یک از موج‌های فمینیسم هستند؟

ج) در خاطرات سردار مریم، به چه نکاتی از فمینیسم بیشتر پرداخته شده است؟

د) علت به وجود آمدن نگاه فمینیستی در سردار مریم چیست؟

۱-۲- پیشینه تحقیق

درباره نقد فمینیستی آثار نوشته شده به وسیله زنان، مقالات زیادی نوشته شده است. البته در نوشته های زنان، نامه نگاری و خاطره نویسی از اهمیت والایی برخوردار است (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۱۰۸) و معمولاً در آن ها، دو موضوع برجسته است: یکی بررسی نگاه زنان به فرهنگ مردسالار و دوم بررسی سبک نوشتار زنان یا همان زنانه نویسی؛ از مقالات گروه اول می توان به مقالات «تشابهات فمینیستی دو رمان سووشون و الحب فی زمن النفط» از نامداری و دیگران (۱۳۹۸: ۳۹۵-۴۲۱) و «بررسی تطبیقی مقاومت در برابر سلطه مردانه در اشعار عالمتاج قائم مقامی و کنستانس دو سلم» از شریف و چاوشیان (۱۴۰۰: ۸۱-۱۰۴) و «نقد فمینیستی رمان ملت عشق» از مدرسی و رنجبری اشاره کرد. از گروه دوم هم می توان به مقاله سبک زبان زنانه در خاطرات تاج السلطنه» از رضوی و صالح نیا (۱۳۹۴: ۶۵-۹۱) اشاره کرد؛ مقاله ای که نویسندگان در آن کوشیده اند تا به برخی از ویژگی های سبکی نوشتار زنان، از جمله واژگان نشان دار، صورت های بیان کننده زبان، صورت های خلاف دستور، جزئی نگری و... اشاره کنند. اما درباره خاطرات سردار مریم بختیاری، تنها یک مقاله نوشته شده و آن هم مقاله «گفتمان کاوی انتقادی خاطرات سردار مریم» از عباسی و خانی پور است. نویسندگان در این مقاله، خاطرات سردار مریم را بر مبنای گفتمان کاوی انتقادی فرکلاف بررسی کرده و به این نتیجه رسیده اند که سردار مریم، بر خلاف گفتمان سنتی، بر نقش و وجود زنان تأکید داشته و با ترکیب کنش های جنسیتی در قالب گفتاری زنانه، از متون میان گفتمانی عصر خویش فراتر رفته و اثری متفاوت خلق کرده است (عباسی و خانی پور، ۱۴۰۱: ۸۱-۱۰۳). از آنجا که مقاله عباسی و خانی پور فقط به جایگاه خاطرات سردار مریم در نقد فمینیستی پرداخته اند و درباره نوع اشارات فمینیستی سردار مریم و علت به وجود آمدن این نگاه در وی، اشاره نکرده اند، در این مقاله، این موضوعات دنبال می شوند.

۱-۳- روش تحقیق

روش گردآوری اطلاعات در این مقاله از نوع کتابخانه‌ای، اما روش تحقیق، تحلیل محتوا با رویکرد توصیفی-تحلیلی است. به این صورت که ابتدا خاطرات سردار مریم بختیاری خوانده شده و اشارات فمینیستی وی استخراج شده و در بخش‌های مرتبط با نقد فمینیستی قرار گرفته و در نهایت بر اساس مبانی نظری نقد فمینیستی تحلیل و بررسی شده‌اند. البته در این مقاله، اشارات فمینیستی صرفاً از جهت محتوایی نقد و بررسی شده‌اند و به ویژگی‌های زبانی پرداخته نشده است.

۲- شروع بحث

۲-۱- معرفی سردار مریم بختیاری

سردار مریم بختیاری در سال ۱۲۹۰ ه.ق (۱۲۵۰ ه.ش) در چهارمحال و بختیاری متولد شد. پدرش حسین قلی‌خان، ایلخانی بختیاری بود؛ همان کسی که در سال ۱۲۹۹ ه.ق. به دستور ناصرالدین‌شاه و به دست ظل‌السلطان در اصفهان کشته شد. مادر بی‌بی مریم، فاطمه دختر علی‌رضاخان از طایفه کیانارثی چهارلنگ بود. بی‌بی مریم شش برادر و دوازده خواهر ناتنی داشت. برادران وی همگی جزو رجال درجه یک دوره قاجار بودند: اسفندیارخان سردار اسعد اول، نجف‌قلی‌خان صمصام‌السلطنه (رئیس‌الوزرا)، امیرقلی‌خان، علی‌قلی‌خان سردار اسعد دوم (وزیر داخله)، خسروخان سردار ظفر، یوسف‌خان امیرمجاهد (حیدری، ۱۳۹۴: ۴۱-۴۴).

بی‌بی مریم در پانزده‌سالگی با مردی چهل‌ساله به نام علی‌قلی‌خان محمدصالح (چهارلنگ) ازدواج کرد، اما این ازدواج پس از چهار سال، با مرگ علی‌قلی‌خان به تنهایی منجر شد. بی‌بی مریم از علی‌قلی‌خان سه پسر به نام‌های سهراب، محمدعلی و علی‌مردان (شیر علی‌مردان، قهرمان مبارزه با رضاخان) داشت. بی‌بی مریم پس از آن و به اصرار برادرانش با عموزاده‌اش فتح‌الله‌خان سردار ارشد، ازدواج کرد (سال ۱۳۱۳ ه.ق) و از او صاحب پسری به نام مصطفی‌قلی‌خان شد و پس از هفت سال زندگی پر از ملال، بدون گرفتن طلاق جدا شد و دیگر تا پایان عمر (۱۳۵۳ ه.ق) دیگر ازدواج نکرد.

بی‌بی مریم در یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخی ایران متولد شده و از دنیا رفته است. ۲۶ سال پس از روی کار آمدن ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴ ه.ق) متولد شده و ۲۳ سال از حکومت این شاه قاجار را درک کرده و به هنگام روی کار آمدن مظفرالدین‌شاه، ۲۳ ساله و هنگام صدور فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ ه.ق) ۳۴ ساله بوده است. در دوران استبداد محمدعلی‌شاه و فتح تهران، ۳۷ ساله بوده است. در هنگام جنگ جهانی اول (۱۳۳۲-۱۳۳۷ ه.ق) ۴۲ تا ۴۶ سالگی را می‌گذرانده است. در بحبوحه این جنگ عالم‌گیر، با متحدین (آلمان و عثمانی) علیه متفقین (شوروی، انگلیس و فرانسه) متحد شده و فرمانده یک بخش از نظامیان آلمان بوده و به «فن کاردوف» شارژ دافر آلمان پناه داده و به پاس آن از ویلهلم دوم (امپراتور آلمان) عالی‌ترین نشان آن کشور را دریافت کرده و به سردار مریم بختیاری معروف شده است. (پاداش فتوت، ۱۲۸۶: ۷-۸) هنگام تاج‌گذاری رضاخان ۵۳ ساله بوده و در سال ۱۳۵۳ ه.ق از دنیا رفته است.

بی‌بی مریم از هشتم شعبان ۱۳۳۶ ه.ق. در نهان و خلوت، بدون اینکه کسی متوجه شود، نوشتن خاطرات خود را آغاز کرده است. این خاطرات که مثل اغلب خاطرات بازمانده از عصر قاجار، نوعی زندگی‌نامه خودنوشت‌اند، علاوه بر ارزش‌های تاریخی، از جهت فرهنگی و ادبی نیز مهم‌اند.

بی‌بی مریم در یکی از خانواده‌های بزرگ عصر قاجار متولد شده و حوادث مهمی از تاریخ ایران را از نزدیک دیده و در آن‌ها شرکت داشته و چون زنی پیشرو، انقلابی و روشن‌فکر بوده، خاطرات او از وجوه مختلف قابل بررسی‌اند. یکی از آن وجوه، اشارات فمینیستی وی است. وی در جای جای این خاطرات از زنان و وضعیّت اسفبار آنان سخن گفته و آرزو کرده است که روزی زنان از ظلمات و تاریکی جهل بیرون بیایند و به حقوق خود برسند.

۲-۲- نقد فمینیستی خاطرات سردار مریم بختیاری

چنانکه گفته شد، نقد فمینیستی یکی از رویکردهای نقد ادبی است که در آن آثار ادبی از منظر قبول یا رد، تقویت یا تضعیف ستمی که نظام مردسالار بر زنان روا داشته، بر اساس

نظریه‌هایی چون نقد زن‌محور شوآلتر، نقد زنانه‌نویسی سیکسو، نقد فمینیسم مارکسیستی و... بررسی می‌شوند (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۹۱-۱۰۰). در همین راستا، در نقد زن‌محور شوآلتر، بحثی وجود دارد که در آن نحوه حضور زنان در اثر بررسی می‌شود. در این شیوه، همان قدر که به میزان حضور و تعداد زنان در اثر توجه می‌شود به غیاب آنان هم توجه می‌شود؛ وانگهی در بحث حضور زنان، چگونگی حضور (حضور جدی یا ضعیف؛ پرتکرار یا کم؛ فعال یا منفعل) نیز مهم است (همان: ۹۴-۹۵).

در خاطرات سردار مریم بختیاری (صص ۷-۱۸۴) از خود نویسنده به عنوان یک زن، در ۲۵ بند صحبت شده است. از زن به صورت عام و کلی در ۳۳ بند بحث شده و از خواهرها و زن برادران و دخترعموها و... فقط در شش بند سخن به میان آمده است. حضور نویسنده به عنوان یک زن در این خاطرات، حضوری پررنگ، جدی و تأثیرگذار است، اما حضور دیگر زنان بختیاری، بسیار کم‌رنگ است. زن بختیاری در خاطرات سردار مریم، متأثر از فرهنگ و نظام مردسالار، بدبخت، بیچاره، اسیر و گرفتار است. حقوق فردی و اجتماعی او به راحتی پایمال می‌شود. برای شوهردادن او، از او نظر نمی‌خواهند، چه رسد به اینکه از او بخواهند درباره امور مهم، نظر بدهد، البته وضع خود سردار مریم متفاوت است. برای مشخص شدن نوع نگاه سردار مریم به زنان، بحث را در قالب مهم‌ترین موضوعات فمینیستی در خاطرات سردار مریم دنبال می‌کنیم.

۲-۱-۲- انگشت‌نهادن بر کلیشه‌های جنسیتی

فمینیست‌ها در اولین گام به جداکردن مقوله جنس از جنسیت روی آورده‌اند. جنس؛ یعنی اینکه از نوع بشر، عده‌ای زن‌اند و عده‌ای مرد. جنس از نُه ماه قبل از تولد شکل می‌گیرد و فرد در به‌وجودآمدن آن دخالت ندارد، اما جنسیت را فرایندها، باورها و توقعات می‌سازند؛ باورها و توقعاتی که فرهنگ مسلط جامعه آنها را شکل داده است؛ به عبارت دیگر، جنسیت مجموعه‌ای از توقعات اجتماعی و فرهنگی است که از زنان انتظار دارند، نه ویژگی‌های مرتبط با جنس آنان. اینکه زنان در یک فرهنگ چگونه دیده می‌شوند و مردان چگونه، در مقوله جنسیت قرار دارد و از همین جاست که سیمون دو بووار

می‌گوید: «هیچ کس زن [در مفهوم جنسیت] به دنیا نمی‌آید، بلکه این اجتماع است که او را به زن تبدیل می‌کند.» (دو بووار، ۱۳۸۸: ۱۲۶) در واقع، تفاوت‌های تحمیلی فرهنگی، جنسیت را می‌سازند و آن را محکم نگه می‌دارند و کم‌کم آن تفاوت‌ها به کلیشه‌های جنسیتی تبدیل می‌شوند. اینکه می‌گویند مردان، افرادی مسلط، مقتدر و مخترع‌اند و زنان افرادی نابلد، ضعیف و منفعل، نتیجه ترویج و تثبیت کلیشه‌های جنسیتی‌اند، چون همه مردان، مسلط، مقتدر و مخترع نیستند و همه زنان نیز افرادی ضعیف و منفعل نیستند. میلث می‌گوید: «زنان از سوی مجموعه ارزشی‌ای که آن‌ها را به ایفای نقش جنسیتی کلیشه‌ای وامی‌دارد، مورد ستم واقع می‌شوند» (سلدن و ویدوسون، ۱۳۷۷: ۲۶۶). و این موضوع در اغلب فرهنگ‌ها وجود دارد. اورتنر می‌گوید: «در همه جا و در هر فرهنگ شناخته‌شده‌ای، زنان تا حدی نسبت به مردان پست‌تر تلقی می‌شوند» (اورتنر، ۱۳۸۵: ۷۱). ایران هم از این امر مستثنی نیست و کلیشه‌هایی همچون «جای زن در خانه است»، «نباید به حرف زن گوش داد»، «زن ناقص عقل است»، «در هر فتنه‌ای پای یک زن در میان است»، «زن نباید بلند حرف بزند یا بخندد» و... وجود دارد.

مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی در دنیا سابقه‌ای صد و چند ساله دارد و در دنیا تعداد زنانی که پرچم مبارزه با این تبعیض‌ها را برافراشته‌اند زیاد است، اما در ایران فقط چند زن بوده‌اند که در مقابل این فرهنگ به پا خاسته‌اند و بی‌بی مریم یکی از آنان است که بدون داشتن سواد مدرسه‌ای و تنها در پرتو روشن‌بینی و مطالعات شخصی، به جنگ این کلیشه‌ها رفته است. او با به چالش کشیدن گفتمان سنتی زمانه خود و با هدف آگاه‌کردن هم‌نوعان آینده خویش دست به قلم برده و در ضمن خاطرات خود، نشان داده که جامعه مردسالار، چگونه با ترویج چنین کلیشه‌هایی حقوق زنان را تضییع کرده و افشاکردن این ظلم و ستم بر زنان، یکی از مضامین پرتکرار خاطرات وی است: «افسوس که وجود چندین میلیون زن در خاک ایران از عدم علم برای هیچ کس اهمیتی ندارد. کاری که به آن‌ها می‌دهند، ترشی، خیار و بادمجان انداختن می‌باشد. می‌گویند زن باید خودش را مثل بادمجان بکند و میان کوچه راه برود و خدا می‌داند وقتی که چاقچور و چادر می‌کند و در

کوچه راه می‌رود و آن روبنده را می‌زند... و تمام اخلاق‌های زن‌های اسلامی برای همین روگرفتن فاسد شده است» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۳).

«ای ایران عزیز! ای ایران بدبخت! خودت بدبخت شدی و اولادان عزیزت هم از بدبختی تو، از اوج عزت به خاک ذلت افتادند. اگر ما هم علم داشتیم، چرا بایست زن‌های بیچاره ایرانی در گوشه خانه در به روی آن‌ها بسته باشد و از تمام کارهای عالم عقب بمانند» (همان: ۴۸). موارد دیگر: ص ۲۶، ۲۹، ۴۳، ۱۶۵

۲-۲-۲- نشان دادن وضعیت اقتصادی و اجتماعی زنان (نداشتن مالکیت، ارث و حق طلاق)

یکی دیگر از موضوعاتی که منتقد نقد فمینیستی می‌خواهد به آن پاسخ بدهد این است که نویسنده، وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان را چگونه نشان داده و اگر نویسنده مرد باشد، موضوع به گونه‌ای و اگر زن باشد، به گونه‌ای دیگر نگریسته می‌شود.

منتقد می‌خواهد ببیند که استعمار جنسیتی و طبقاتی زنان چگونه نشان داده شده است. رفتار مردان با زنان چگونه توصیف شده است. در این خصوص، فمینیست‌های با بیان مواردی همچون نداشتن حق مالکیت، نداشتن حق طلاق، نداشتن دستمزد، وادارکردن زنان به پوشیدن لباس‌های سخت، نداشتن حق رأی و... به این نتایج رسیدند که فرهنگ مردسالار و ازدواج ریشه تمام این بدبختی‌هاست و برخی از آن فمینیست‌ها، ازدواج را ناعادلانه قلمداد کردند و آن را عامل محدودیت زنان دانستند و به مخالفت با ازدواج برخاستند (مشیرزاده، ۱۳۷۲: ۲۱۹؛ اسحاقی، ۱۳۸۱: ۱۱۱). بی‌بی مریم هم بارها به ستم‌هایی که فرهنگ مردسالار، در قالب ازدواج بر زنان روا می‌دارد، اشاره کرده است: «... اما زن‌های بدبخت و سیاه‌روز بختیاری، برای کلفتی و رفع شهوت خلقت شده‌اند. به زور شوهر می‌دهند. مثل حیوان خرید و فروش می‌کنند. حق طلاق نداریم. ارث هم نداریم. قباله هم نداریم» (سردار مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۹).

«در بختیاری به دختر ارث نمی‌دهند؛ قباله هم نمی‌دهند؛ چه کارهایی می‌شود که انسان از نوشتن شرم دارد» (همان: ۱۲۱).

«ما حالا فکر می‌کنیم فقط برای رفع شهوت مردها خلق شده‌ایم یا برای کنیزی و اسارت خلق شده‌ایم» (همان: ۱۱۶).

«در بختیاری که ارث به دختر نمی‌دهند. اگر با شوهر هم نتوانند زندگانی بکنند، طلاق او را هم نمی‌گیرند. آن وقت باید تا عمر دارد یک زندگانی غم‌انگیزی بکند» (همان: ۴۷).
«من از همه طرف مأیوس شدم. دیدم خیلی جوان هستم، لابد که شوهر بنمایم، چون که قانون وحشی‌گری ما ارث به دختر نمی‌دهند» (همان: ۱۱۱).

و به خاطر همین ستم‌هاست که او نیز ازدواج را نکوهش می‌کند: «خدا را شاهد می‌گیرم، اگر به قدری مخارج که به قانون یک نفر محترم‌زاده زندگانی بکردم و برادرهایم از ارث پدری به من بدادند، تمامت عمر اختیار شوهر نمی‌کردم، چون که از خودم اطمینان داشتم که هوای نفس در سرم نبود. اگر من ارث پدر داشتم، طبیعت من قبول نمی‌کرد که آزادی خود را از دست بدهم و خود را در قید اسارت مردان خوب دنیا دریابورم، تا چه رسد به این مرد که می‌بایست شوهر من باشد» (همان: ۱۱۱).

«آیا ساعتی که من در قعر گور خوابیده‌ام، شما ای ایرانی‌های بدبخت، آزادید؟ با کمال سرفرازی قدم‌های شمرده شمرده می‌زنید؟ به خصوص خانم‌های بدبخت که مثل اسیر در خانه شوهر از ترس روزی، زندگانی می‌کنند» (همان: ۱۴۳).

وی درباره «بله‌گفتن» در مراسم عقدش می‌گوید: «خانم‌های مجلس که تعداد سی نفر بودند، یکی یکی آمدند، نزدیک من که کار از این‌ها گذشته، «بلی» بگو و خود را در قید هزار بدبختی بکن.» (همان: ۱۱۳-۱۱۴)

موارد دیگر: ص ۴۱، ۴۷، ۱۵۵

۲-۲-۳- نکوهش بهره‌کشی جنسی

فمینیست‌ها معتقدند همین که مرد برای ازدواج با زن، مبلغی می‌پردازد، سبب می‌شود که زن به مانند کالایی در نظر آید که برای به دست آوردنش باید هزینه مادی پرداخت کرد. آن‌ها معتقدند بهره‌کشی جنسی یا نگاه جنسی به زنان، باعث شده که زن ابزاری برای دفع شهوت مردان تلقی شود و این کلیشه‌ای است که باید با آن مبارزه کرد (مشیرزاده، ۱۳۷۲:

(۷۴). در همین راستا، بی‌بی مریم بارها به مبارزه با چنین کلیشه‌هایی پرداخته است: «ای زن ایرانی! ای مظلوم بدبخت! آیا تو مخلوق خدا نمی‌باشی؟ آیا تو نوع بشر نمی‌باشی؟ تا کی باید مثل حیوان تو را خرید و فروش کنند؟» (سردار مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۵۹). «به زور شوهر می‌دهند. مثل حیوان خرید و فروش می‌کنند. حق طلاق هم نداریم. ارث هم نداریم. واقعاً خداوند ما بیچارگان را برای رفع شوت مردها آفریده است.» (همان: ۱۵۹)

«در خانه شوهر اگر خدمت ارباب خود که شوهر باشد، خوش‌بخت شدیم، عزیز شدیم که برای رفع شهوت و عیش، خود همه گونه اسباب راحت ما فراهم می‌باشد» (همان: ۱۱۶). وی در این مبارزه، حتی از رفتار شوهرش با زنان غیررسمی و فاحشه هم انتقاد می‌کند: «تمام آرزوی او [شوهر بی‌بی مریم] این بود که چند زن فاحشه داشته باشد که در مقابل او، او را خان مالک‌الرقاب خطاب کنند که تا برای شهوت‌رانی بود، آن‌ها را همه جور محبت بنماید. هر وقت هم میل داشت، آن‌ها را برهنه کند و کتک بزند و تهمت نامشروع هم بزند، بدون اینکه ملاحظه بکند اولاد دارند یا محتاج‌اند یا نفقه به آن‌ها بدهد یا آن‌ها را طلاق بدهد» (همان: ۱۴۷).

در خاطرات سردار مریم، بارها اشاره شده است که زنان در خانه شوهر اسیرند: ص ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۴۶ و باید با این سنت مبارزه کرد: ص ۴۸، ۱۲۰، ۱۲۱.

۲-۲-۴- نکوش ازدواج اجباری و مصلحتی

خاطرات بی‌بی مریم نشان می‌دهند او درد جامعه دارد. او معتقد است اگر زن آزادانه و از روی شعور و آگاهی و با اختیار خود، همسر خوبی انتخاب کند و با او ازدواج کند، این ازدواج ضامن بقای نسل و جامعه است، اما ظلم آنجاست که در نظام مردسالار همین مختصر حق هم از زن دریغ می‌شود. خان‌های بختیاری، دختران را به عنوان ابزاری برای سکوت طرف مقابل شوهر می‌دهند. دختر و پسر همدیگر را ندیده و نشناخته باید با هم ازدواج کنند، چون پدر چنین تشخیص می‌دهد. دختری پانزده‌ساله را به مردی چهل‌ساله می‌دهند که چند زن دیگر دارد و از آن زن‌ها، صاحب چندین فرزند است: «بدبختی ما

ایرانی‌ها، به‌خصوص بختیاری‌ها این است که دختر و پسر همدیگر را ندیده و طبیعت هم را نیازموده، پدر و مادر آن‌ها را زن و شوهر می‌کنند. آن وقت هم که زن و شوهر با هم موافق نمی‌شود، باید هم طلاق بگیرند. با این جور زندگانی به سر ببرند. در حقیقت لعنت بر این قانون غیر قانون» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۷).

«حال سرنوشت ما دخترهای ایرانی، به‌خصوص دخترهای بختیاری را ملاحظه کنید. دختر پانزده‌ساله را بدهند به یک مرد چهل‌ساله که دارای دو زن و شش نفر اولاد است» (همان: ۵۴). بی‌بی مریم از اینکه می‌دید بزرگان بختیاری، دختران را همچون ابزاری قرار می‌دهند برای رام و مطیع کردن مخالفان خود، به شدت ناراحت بود. در وصف حال خود می‌گوید: «من وقتی چهل‌روزه بودم، پدرم [حسین‌قلی‌خان ایلخانی] عقدم نمود [ناف‌بر] برای پسر محمدعلی‌خان چهارلنگ. پدرم به همین زن‌دادن و زن‌گرفتن آن‌ها را رام نمود» (همان: ۵۳).

«یکی از پلتیک‌های پدرم، خویشی‌نمودن با مردم بختیاری بود. چه به آن‌ها زن می‌داد و چه زن می‌گرفت» (همان: ۲۵).

«خواهرم را در سن هشت سالگی عروس نمودند، اما دو شب در خانه شوهر بود، آن هم پهلوی خواهر بزرگم که همراه او بود، می‌خوابید. این عروسی پلتیک بود، چون که به واسطه این عروسی می‌خواستند، چند صباحی با هم مهربان باشند» (همان: ۵۹).

«شاه هم قبول فرمود حکومت بختیاری را به دو فامیل داد. آن‌ها آنجا پیمان بستند و قسم خوردند با هم متحد باشند. دختر اسفندیار را به سپهدار دادند و دختر سپهدار را به اسفندیار» (همان: ۹۶).

بی‌بی مریم از اینکه می‌بیند، دختر باید به خاطر حرف مردم به هر کس و ناکس شوهر کند و اگر شوهر نکند، ممکن است شانس ازدواج پیدا کند و بعد هم معلوم نیست، سرنوشت او به کجا منتهی شود، ناراحت و غمگین است و این ناراحتی درباره زنانی که مثل خود بی‌بی مریم یک بار شوهر کرده‌اند و از آن شوهر، یک یا چند بچه دارند و در حال به نوعی سر بار خانواده خود یا برادران خود هستند، بیشتر است: «به من می‌گفتند

برای خاطر بچه‌هایت شوهر به این آدم بکن. ابداً راضی نبودم شوهر کنم. میل داشتم که همه وقت پهلوی برادرهایم باشم. از بس که این سه چهار سال شوهرداری زحمت کشیدم، اما مردم بختیاری نمی‌گذاشتند آسوده باشم. همه روز حرف شوهرکردن من در کار بود» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

«من اگر شوهر نمی‌کردم، بایست در خانه‌های برادرهایم زندگانی کنم. غرور من هم به نوعی بود که به این ترتیب اطاعت نمی‌نمودم. خدا می‌داند، زن‌های ایرانی در خانه شوهر اسیرند. اگر یک برادری از مادر داشتم، باز هم امکان نداشت شوهر بکنم» (همان: ۱۱۱). موارد دیگر: ص ۱۱۴، ۱۲۶، ۱۵۹.

دردناک آنجاست که وقتی بی‌بی مریم به خاطر حرف مردم و به اجبار برادرها، شوهر می‌کند، پسرش دیگر چشم دیدن او را ندارد: «اگر من جلو چشمش بمیرم، تصور می‌کنم که کفن و دفن نکند. بچه من با من عداوت پیدا کرده است. نمی‌دانم چه مکافاتی مرا گرفته؟! ما زن‌ها اگر خدای نخواستہ سیاه‌بخت شدیم که خر بیار و معرکه بار کن؛ نه در خانه پدر جا داریم نه خانه شوهر حق داریم. باید همین جور به ذلت و خواری میان دو خانواده زندگی کنیم. اگر اولاد پسر داریم، باید صبر کنیم تا او بزرگ شود. آن وقت در پناه پسر خود یک زندگانی که سر بار پسر باشیم، بکنیم. هر کس پسر نداشت که باید عمرش را به ذلت و فقری بگذراند» (همان: ۱۱۶).

۲-۲-۵- نکوهش بی‌سوادی و ناآگاهی زنان

بی‌بی مریم با آگاهی و آزاداندیشی، زنان ایرانی، به‌ویژه زنان بختیاری را در مقایسه با زنان اروپایی، بدبخت و بیچاره می‌داند. از این رو، از آنان می‌خواهد تا خود را به سلاح علم و آگاهی مجهز کنند و با قوانین برساخته نظام مردسالار بجنگند. او می‌داند به‌تنهایی نمی‌تواند این فرهنگ غالب را اصلاح کند، اما از بازگوکردن این ظلم ابایی ندارد و پیوسته با آن در ستیز است. او قبول ندارد که زن به خاطر زن‌بودن، انسانیتش تحقیر شود و از همین روی بارها تأکید می‌کند که تمام بدبختی و بیچارگی زنان بختیاری، از ندانستن آن‌هاست: «ای ایران عزیز! ای ایران بدبخت! خودت بدبخت شدی و اولادان عزیزت هم

از بدبختی تو، از اوج عزّت به خاک ذلّت افتادند. اگر ما هم علم داشتیم، چرا بایست زن‌های بیچاره ایرانی در گوشه خانه، در به روی آن‌ها بسته باشد و از تمام کارهای عالم عقب بمانند؟ وقتی زن‌های اروپایی را می‌بینم این جور مردانه کار می‌کنند و این همه وجود آن‌ها به درد وطن خود می‌خورد، به حدّی افسوس می‌خورم، به حدّی از حال طبیعی خارج می‌شوم که تمام عصب‌های من تیر می‌کشد؛ مثل اینکه می‌خواهم دیوانه شوم» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۸).

«افسوس دارم که وجود چندین میلیون زن در خاک ایران از عدم علم برای هیچ کس اهمیتی ندارد» (همان: ۴۳).

«تمام بدبختی‌های ما از خودمان می‌باشد، زیرا که نه علم داریم و نه حقوق خود را می‌دانیم؛ اگر بدانستیم که برای چه خلقت شدیم، البته در اطراف حقوق خود جان‌فشانی می‌کردیم» (همان: ۱۱۵).

«افسوس دارم که چرا من یک نفر زن بدبختی هستم که نمی‌توانم برای آزادی ملت جان‌فشانی بکنم و چرا نمی‌توانم مثل زن‌های اروپایی با اردو جهت پرستاری جوان‌های رشید بختیاری حرکت کنم؟» (همان: ۱۸۲)

بی‌بی مریم برای نشان‌دادن ظلمی که بر زنان بختیاری می‌شود، خود را با برادرش یوسف‌خان مقایسه می‌کند و می‌گوید:

«سه سال از من بزرگ‌تر است. با هم بزرگ شدیم. وقتی کوچک بود، من زرنگ‌تر بودم. او را کتک می‌زد، اما حالا از آنجایی که زن‌های بدبخت در ایران ترقی نمی‌کنند و صفت‌های خوب آن‌ها در پس پرده است، ایشان یک مرد متشخص شده است، من یک زن پرده‌نشین. او ترقی نموده است، من تنزل. در ایران زن‌های بدبخت یا باید بزک بکنند، شبانه‌روز در فکر لباس، پودر و سرخاب باشند، یا خیاطی و ریسمان‌تابیدن. کار بزرگ آن‌ها همین است» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۲).

۲-۳- نشانه‌های تناقض در خاطرات سردار مریم

از آنجا که بی‌بی مریم در خانواده ایلخانی بختیاری، بزرگ‌ترین خانواده بختیاری متولد شده بود و پدر و برادرانش، همه از ارجال درجه اول عهد قاجار بودند، خانواده آن‌ها محل رفت‌وآمد بزرگان، سیاست‌مداران، شعرا و ادبا بود و به گواه خاطرات سردار مریم، کتاب‌های خوبی هم در خانواده آن‌ها وجود داشته و بی‌بی مریم به سفارش برادرش، علی‌قلی خان سردار اسعد، کتاب می‌خوانده است. بنابراین او متأثر از این فضا، آگاهی‌های خوبی از وضعیت زنان در اروپا داشته و به همین دلیل با مقایسه آن زنان با زنان بختیاری، به خوبی توانسته است، وضعیت اندوه‌بار زنان ایرانی، به‌ویژه زنان بختیاری را توصیف کند و به مبارزه با نظام مردسالار برخیزد. مبارزه‌ای که با همه پافشاری بی‌بی مریم بر آن، گزاره‌هایی در لابه‌لای آن‌ها دیده می‌شود که چند پرسش را پیش می‌آورد: اول اینکه، اگر بی‌بی مریم ازدواج موفقی داشت، آیا باز هم این نوع نگرش را با این شدت پیدا می‌کرد؟ دوم اینکه آیا در خاطرات سردار مریم، نشانه‌هایی از برخورد دوگانه در مقوله فمینیسم دیده می‌شود؟

پاسخ به پرسش اول، آسان نیست، اما وی در چند جا از خاطرات خود چنین عباراتی دارد: «چه قدر آرزو داشتم در سایه یک شوهر بزرگواری آسوده باشم که سوای خداوند، اعتنایی به نوع بشر نداشته باشم. این هم برعکس، مرا نصیب ین نالایق [فتح‌الله خان] کرد. دستم به دامن مرد نالایق و ناکس رسید. ای بسی آرزو که خاک شده» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

«هیچ چیز در عالم برای زن، بهتر از شوهر محترم و مقتدر نیست، به‌خصوص من که همیشه خیالاتم عالی و یک دنیا آرزو داشتم که بتوانم کارهای بزرگ بکنم. میل داشتم یک شوهر لایق، عاقل، درست، صحیح، عالم و سخاوتمند داشته باشم. بدبختانه تمام صفات شوهر من نقطه مقابل خیالات من می‌باشد» (همانجا).

«حسرت می‌خورم که چرا شوهر من امروز یک نفر از رئیس‌های بزرگ اردوهای بختیاری نباشد و چرا باید او پیش‌قدم نباشد» (همان: ۱۸۴).

«ای خانم‌هایی که این کتاب سیه‌بختی مرا مطالعه می‌کنید، مبادا گول مال، دولت و جوانی کسی را بخورید و شوهر بکنید. شوهر هر قدر فقیر و زشت باشد، اما پیکر او آراسته به صفات خوب باشد، عالم، دانا، با شرافت باشد، آن مرد زندگی است. به حق آن خدایی که جان و عزت من در ید قدرت اوست، راضی بودم به یک شاگرد مدرسه شوهر بکنم، اما به این آدم شوهر نکنم» (همان: ۱۴۸).

«شوهر انسان باید مرد باشد؛ شرف داشته باشد. مال دنیا برای مرد همه وقت هست، اما برای نامرد کرور کرور ثروت و دولت مثل خاکستر می‌باشد، هیچ دردی، هیچ ننگی، هیچ بدبختی از شوهر بی‌شرف بی‌عقل برای زن نیست» (همان: ۱۰۹).

موارد دیگر: ص ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷

بنابراین بی‌بی مریم علی‌رغم تمام آن ناراحتی‌هایی که از وضعیت زنان دارد و از وابستگی اقتصادی زنان به شوهر خبر دارد، و می‌داند ازدواج برای زنان چه سختی‌ها و محدودیت‌هایی را به دنبال دارد، با اصل ماجرا، اگر با آگاهی و آزادی صورت بگیرد، مخالف نیست و نکته جالب اینکه وی در هیچ جا از خاطراتش، ازدواج‌کردنش را به قضا و قدر نسبت نداده و این نکته بسیار مهمی است. او با اینکه در هر دو ازدواج از طرف خود هیچ میل و اختیاری نداشته، باز هم به جای اینکه ازدواج خودش را به تقدیر و سرنوشت مرتبط کند، آن را ناشی از رسم‌های غلط و ناآگاهی زنان و دختران ایرانی می‌داند و از زنان می‌خواهد، عقل و هوش خود را به کار بیندازند و از سنت‌های محدودکننده و تحمیلی بگریزند. او همچون مری ولستون کرافت (از فمینیست‌های پیشگام انگلستان در قرن هجدهم) معتقد بود اگر قرار باشد وظیفه زنان را به تربیت فرزندان محدود بدانیم، زنان تحصیل‌کرده این وظیفه را بهتر انجام می‌دهند تا زنان بی‌سواد (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۷۴).

اما در پاسخ به پرسش دوم می‌توان گفت بی‌بی مریم اگر چه محکوم‌کننده سنت‌های محدودکننده زنان است و مخالف سرسخت فرهنگ مردسالار جامعه خویش، اما در لایه‌های گوناگون ذهن وی باز هم نشانه‌هایی از دوگانگی وجود دارد. (عباسی و

خانی‌پور، ۱۴۰۱: ۹۶) هنوز در اعماق ذهن او، داشتن فرزند پسر، بسیار بسیار مهم‌تر از دختر است. در توصیف زندگانی خواهر چهارم خوش می‌گوید: «از طرف اولاد خیلی بدبخت بود، چون که از دو شوهر که میان خانواده پدرم نمود، اولاد ذکور برای او نماند» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۶).

در هنگام سخن گفتن از مرگ زودهنگام همسر اول خودش، به صراحت راضی نبودنش را از آن ازدواج بیان می‌کند، اما در نهایت می‌گوید: «چون که حالا سه پسر از او داشتم، ابداً راضی به مرگ او نبودم» (همان: ۸۸).

درباره زن سلطان محمدخان سردار اشجع می‌گوید: «شوهرش علاقه فوق‌العاده به او داشت. خیلی هم خوشگل بود. جوان بود. بیچاره پسر نداشت. تا در حیات بود چه قدر آرزوی یک پسر داشت. وقتی که فوت شد، پنج دختر داشت» (همان: ۱۵۶).

درباره اختلافاتی که میان برادرانش افتاده، عامل اصلی را زنان می‌داند: «پسرهای برادرهایش بزرگ شدن [کذا]. بنیاد شرارت و عداوت را با هم گذاشتن. قدری زندگانی ایلخانی را مکدر نمودن؛ نه اینکه بتوانند آشکارا دلخوری بکنند. همین جور نق‌نق میان آن‌ها افتاد. زن‌های خود را این میان انداختن، کم‌کم حرف به برادرها اثر کرد» (همان: ۲۹). هنوز هم در لایه‌های پنهان ذهن بی‌بی مریم، زن، ضعیف است و نماد ضعیف بودن. در توصیف کارهای پدرش می‌گوید: «پدرم آشوی طلب نبود. تمام لرستان، بختیاری و عربستان [خوزستان] را برای دولت ایران منظم نمود. به حدی منظم نمود که یک نفر زن می‌توانست، بدون ترس و واهمه با مقدار زیادی مال و دولت، قلمرو پدرم را گردش کند» (همان: ۲۶).

هنوز هم برای او، بزرگ‌ترین آرزو این است که ای کاش او مرد بود: «افسوس دارم که چرا من یک نفر زن بدبختی هستم که نمی‌توانم برای آزادی ملت، جان‌فشانی کنم. وجود من امروز به چه درد می‌خورد؟» (مریم بختیاری، ۱۳۸۲: ۱۸۲)

«نمی‌دانم چرا روزگار فراموش نمود؟ نمی‌دانم چرا این قدر بی‌عدالتی نمود که فتح‌الله‌خان را مرد کرد، مرا زن؟» (همان: ۱۶۵)

البته اصل این موضوع را بر اساس مطالعات فمینیستی می‌توان از آنجا دانست که تفکر مذکر محورانه در ژرف‌ترین لایه‌های ذهن ما انسان‌ها جای گرفته و به قدری طبیعی محسوب می‌شود که هرگز درباره‌ی درستی آن تردید روا نمی‌داریم؛ چون زبان اساساً مذکر محور است و در آن مرد بودن، مرجع انسانیت است و در مرکز این زبان مردان قرار دارند نه زنان (پاینده، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۶-۸۹). وانگهی این موارد در مقابل تأکیده‌های پرشمار بی‌بی مریم بر مقوله‌ی فمینیسم، اندک‌اند و واقع امر این است که سردار مریم، به دلایلی همچون ازدواج‌های ناموفق و آگاهی وی از وضعیت زنان در اروپا (با توجه به اینکه برادرش فرنگ‌رفته بود و مهمان فرنگی داشتند) به‌خوبی، فرهنگ مردسالار عصر خویش را آماج انتقادهای تند خود کرده است و تقریباً اغلب اشکال ستم مردان بر زنان را بازگو کرده و از آن‌ها برائت جسته و از زنان خواسته تا در پرتو علم‌اندوزی و آگاهی زیر بار این نوع زندگی نروند. از این منظر، سردار مردم یکی از طرفداران بزرگ فمینیست در دوره‌ی قاجار و رضاخان بوده و خود نیز سعی کرده همواره پا به پای برادران در راه مبارزه با استبداد حرکت کند. در روزی که سپاه بختیاری برای فتح تهران حرکت می‌کند، خطبه‌ی مهیجی می‌خواند: «حالا که تصمیم دارید در این کار متعهدانه و مردانه باشید. اگر تمام مردهای رشید بختیاری، شهید شدن [کذا]، تمام زن‌های بختیاری را جمع نموده، کفخن به گردن، تفنگ به دست برای شکست دادن دشمن رو به طرف استبداد حرکت می‌کنیم، قبل از آنکه گرفتار دست دشمن شویم، خود را به کشتن می‌دهیم» (همان: ۱۸۲).

این خطبه چنان آتشین بوده که جوانان بختیاری پس از آن «زننده باد سردار اسعد» سر می‌دهند و سردار اسعد، برادر بی‌بی مریم، دست او را می‌بوسد (همان: ۱۸۳).

نتیجه

در این مقاله با هدف نقد فمینیستی خاطرات سردار مریم بختیاری نشان داده شده که بی‌بی مریم به عنوان زنی آگاه و نژاده، در عصر بی‌خبری جامعه‌ی ایرانی، بدون داشتن سواد مدرسه‌ای، به وضعیت اندوه‌بار زنان در جامعه‌ی خویش اعتراض کرده و در جای جای خاطرات خود، نشان داده که مقوله‌ی جنسیت (زن‌بودگی) چگونه زنان را منفعل، مطیع و

تابع کرده است. او با آگاهی به مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی ساخته نظام مرد سالار برخاسته و با کلیشه‌هایی از نوع «جای زن در خانه است» مبارزه کرده است. وی در بیان وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان ایرانی، به ویژه زنان بختیاری، نشان داده که حقوق زنان بختیاری به راحتی پامال می‌شد. بختیاری‌ها از مال پدر به دختر ارث نمی‌دادند و دختر اگر با مردی نمی‌توانست، زندگی کند، حق طلاق نداشت. او از اینکه می‌دید، برخی از خان‌های بختیاری، از جمله پدرش، برخی از دختران و زنان را به اجبار و بنا بر مصالح سیاسی به مخالفان خود شوهر می‌دهد تا به این وسیله آن‌ها را رام و مطیع کند، ناراحت و رنجور بود و بارها در خاطرات خود بر این ظلم، تاخته است. او ریشه بسیاری از این ظلم‌ها را در بیسوادی و ناآگاهی زنان می‌داند و آرزو می‌کند، زنان بختیاری به سلاح علم مجهز شوند و با این ظلم به مبارزه برخیزند. وانگهی در خاطرات سردار مریم، علی‌رغم تأکید زیاد او بر مبارزه با فرهنگ مردسالار، نوعی دوگانگی هم دیده می‌شود؛ به عبارت دیگر، بی‌بی مریم اگر چه محکوم‌کننده سنت‌های محدودکننده زنان است و مخالف سرسخت فرهنگ مردسالار، اما در لایه‌های گوناگون ذهن وی هنوز هم داشتن فرزند پسر، بسیار مهم‌تر از دختر است و هنوز هم زن به عنوان نماد و نماینده بشری ضعیف مطرح است، اما با همه این احوال، آنچه پررنگ‌تر و پرتکرارتر است، مبارزه وی با نابرابری زنان با مردان در نظام مردسالار است.

منابع

اسحاقی، حسین. (۱۳۸۱). *فمینیسم در ایران و اسلام*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

اورتنر، شری. (۱۳۸۵). «آیا نسبت زن به مرد مانند نسبت طبیعت به فرهنگ است؟»، ترجمه فیروزه مهاجر، مندرج در کتاب *فمینیسم و دیدگاه‌ها*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

«پاداش فتوت». (۱۳۸۶). *مجله کاوه*، شماره ۱۷، صص ۷-۸.

پاینده، حسین. (۱۳۹۸). *نظریه و نقد ادبی (درس‌نامه‌ای میان‌رشته‌ای)*، چاپ دوم، تهران: سمت.

تاج‌السلطنه. (۱۳۶۱). *خاطرات تاج‌السلطنه*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

حیدری، محسن. (۱۳۹۴). *مقدمه‌ای بر شناخت زندگی و اندیشه سردار مریم بختیاری* (مجموعه مقالات جمعی از نویسندگان)، چاپ دوم، تهران: تمتی.

حییم، سلیمان. (۱۳۸۰). *فرهنگ انگلیسی-فارسی*، چاپ سی و دوم، تهران: فرهنگ معاصر.

خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۸). «تبیین و تحلیل فمینیسم»، *مجله طهورا*، دوره دوم، شماره ۴، صص ۱۰۱. <https://www.magiran.com/p۷۷۷۴۹۸>

داد، سیما. (۱۳۸۷). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، چاپ چهارم، تهران: مروارید.

دلریش، بشرا. (۱۳۷۵). *زن در دوره قاجار*، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.

دو بووار، سیمون. (۱۳۸۸). *جنس دوم*، ترجمه حسین صنعوی، چاپ هشتم، تهران: توس.

رضوی، فاطمه و مریم صالحی‌نیا. (۱۳۹۴). «سبک زبان زنانه در خاطرات تاج‌السلطنه»، *مجله ادب‌پژوهی*، شماره ۳۱، صص ۶۵-۹۱. ۵۳۳ _ <https://journals.guilan.ac.ir/article>

ساناساریان، الیز. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران، (طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰-۱۳۵۷)*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.

سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. (۱۳۷۷). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، مترجم عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.

شریف، مریم و شراره چاوشیان. (۱۴۰۰). «بررسی تطبیقی مقاومت در برابر سلطه مردانه در اشعار عالمتاج قائم مقامی و کنستانس دو سلم»، *مجله پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، دوره نهم، شماره ۱، صص ۸۱-۱۰۴.

https://journals.modares.ac.ir/article_۵۹۹۷.html

عاملی رضایی، مریم. (۱۳۸۹). *سفر دانه به گل (سیر تحول جایگاه زن در نشر دوره قاجاریه ۱۲۱۰-۱۳۴۰ ه.ق)*. تهران: تاریخ ایران.

عباسی، سمیه و سمیه خانی‌پور. (۱۴۰۱). «گفتمان‌کاوی انتقادی خاطرات سردار مریم بختیاری»، *مجله تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، شماره ۳۳، صص ۸۱-۱۰۳. (DOI): [۱۰.۲۲۰۳۴/JIIPH.۲۰۲۲.۵۲۸۶۹.۲۳۵۴](https://doi.org/10.22034/JIIPH.2022.52869.2354)

قائم‌مقامی، عالم‌تاج. (۱۳۴۵). *دیوان ژاله قائم‌مقامی*، به کوشش حسین پژمان بختیاری، تهران: ابن‌سینا.

مدرسی، فاطمه و پریسا رنجبری. (۱۴۰۱). «نقد فمینیستی رمان ملت عشق»، *پژوهش‌نامه اورمزد*، شماره ۶۱، صص ۲۲۷-۲۴۳.

مریم بختیاری. (۱۳۸۲). *خاطرات سردار مریم*، به کوشش غلامعباس نوروزی بختیاری، تهران: آذران.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۷۲). *از جنبش و نظریه‌های اسلامی تاریخ دو قرن فمینیسم*، چاپ سوم، تهران: شیرازه.

نامداری، ابراهیم و آرش محمدی و سید مصطفی احمدپناه. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی فمینیسم در دو رمان سووشون و الحب بی زمن النفط»، *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*، شماره ۵۱، صص ۳۹۵-۴۲۱.

وزیری، سعید. (۱۳۸۹). *آشنایی با تاریخ مدارس دخترانه در ایران*، تهران: واج و کوشش.

Abrams, M.H. (۱۹۹۱). 'A Glossary of Literary Terms'. England.

Cuddon, J.A. (۱۹۸۴). 'A Dictionary of Literary Terms'. England.

Showalter, Elaine (۱۹۸۶) 'Towards a Feminist Poetics'. The New Feminist Criticism. Essays on Women, Literature and Theory. Ed. Elaine Showalter. London: Virago.